

111565

DIA

## KUŞÂCİM

Giese, A.

Wasf bei Kušāġim: eine Studie zur beschreibenden Dichtkunst der Abbasidenzeit .-- Schwarz, Berlin, 1981 :

Arabic literature: classical ; Kushāġim, Mahmūd b. al-Husayn

حوالی آن را نیز به دست آورده بود. سرانجام در ۱۶۳ ق قلعہ سیام از جانب امیر هرات، سعیدالحراشی محاصره شد، و بالاخره سردار منصور خلیفه عباسی با کمک یکی از کسان المقنن به درون قلعه راه یافت و آنگاه که شکست قطعی شد المقنن و یارانش خود را در شعله‌های تنوری از آتش انداختند تا زنده بدست عباسیان نیفتند. چون پیروان، «مقنن» با پیراهن‌های سپید زیر پرچم سپید رهبر خویش گرد می‌آمدند لذا آنها را «مُقَنَّصَه» (سپید جامگان) نیز می‌نامیدند (← فُوق).

منابع: تاریخ ایران، میرا مهرآبادی؛ دو قرن سکوت، زرین کوب؛ عروس بخارا، خسرو مجتهد؛ جوامع الحکایات، محمد عوفی؛ بیان‌الادیان، فقیه بلخی؛ آثار الباقیه، فصل هشتم، بیرونی؛ المسالک و المسالک، اصطخری؛ به کوشش ایرج افشار؛ الفرق بین الفریق، عبدالقادر بغدادی؛ تاریخ مذاهب اسلامی، محمد جواد مشکور؛ حدود العالم، تاریخ بخارا، ابوبکر توشخی؛ زین الاخبار، گردیزی؛ ماه نخشب، سعید نفیسی؛ الملک و التخیل، شهرستانی، محمد حسن سعیدی

کشاجم، شیخ ابوالفتح محمود بن حسین (م. ۳۵۰ یا ۳۴۰ ق)، کاتب، شاعر، ادیب، منجم و متکلم شیعی، از نواده‌های سیندی بن شاهک رئیس شرطه (شهربانی) هارون الرشید و زندانبان حضرت موسی بن جعفر (ع) امام هفتم شیعیان که شرح رفتار ناپسند سیندی با آن امام مظلوم در کتب تاریخ ثبت است؛ ولی کشاجم خود شیعه پاک اعتقاد و ستایشگر اهل بیت (ع) و مدافع حقوق ایشان بود. کشاجم از اعظام علمای شیعه و جامع علوم و فنون و از شعرای متجاهر در مدح اهل بیت (ع) بود. پدرش از اهل سجستان بود ولی کشاجم در بلخ دیده به جهان گشود و پس از تکمیل علوم و فنون ادب به سیر و سیاحت پرداخت و از فحول علمای اقطار مختلف اسلامی کسب فیض نمود و جامع علوم گردید. مدتی در الرمله فلسطین می‌زیست. که او را زملی هم گفته‌اند. از تاریخ ولادت و ایام کودکی و مراحل تحصیل و استادان او خبری در دست نیست. فقط می‌دانیم که مدتی بین قدس و دمشق و مصر و بغداد جهت کسب دانش رفت و آمد داشته است و سرانجام در شهر حلب به دربار سلاطین بنی الحقدان راه یافت. نخست از شعرای ابی الهیجاء عبدالله بن حقدان بود و بعد از وفات او از مشاورین و شعرا و کتاب انشاء سیف الدوله حقدانی (۳۰۳ - ۳۵۶ ق) مقتدرترین سلاطین شیعه بنی الحمدان در حلب گردید و از قصیده‌ای که در مدح اخفش اصغرینی علی بن سلیمان (م. ۳۱۵ ق) گفته معلوم می‌شود که نزد او درس خوانده است. تمام کتب سیر و

جمله‌اند روستای میان کش و روستای ورد و سایر روستاهای دیگر». در شعر و ادب فارسی نیز نام کش به کرات ذکر شده است چنانکه عنصری می‌گوید:

خورشید خراسان و خدیو زابل  
از نخشب و کش بهار گردد کابل

شهرت شهر کش در متون تاریخی ایران و اسلام تا حد زیادی مربوط به وجود قلعه معروفی در نزدیکی آن است که روزگاری محل وقوع یکی از وقایع مهم تاریخ ایران و اسلام بوده است. این قلعه به نام قلعه سیام نامیده می‌شده است که در موارد اندکی در برخی متون به صورت صیام یا سنام وارد شده است. سیام نام کوهی است مابین سمرقند و تاشکند که به سمرقند نزدیکتر است. قلعه سیام در کوه سیام قرار داشته است. این قلعه محل تجمع و رهبری فرقه سپید جامگان بوده است. ذکر این قلعه نیز در شعر و ادب فارسی آمده است؛ چنانکه فرخی می‌گوید:

مرکبی کو چو بیستون نبود

چون تواند کشید کوه سیام؟

فرقه سپید جامگان که برای دستگاه خلافت، تهدید کننده بود از یک روستا در نزدیک مرو، به رهبری هاشم یا هشام بن حکیم بلخی ملقب به «المقنن» (نقاب پوش) به ظهور پیوست، که از کش (نزدیک بخارا) تا جیحون را زیر نفوذ خویش گرفت. او ادعای خدایی داشت و جمع کثیری را فریب داده بود. سرانجام پس از چهار تا پنج سال نبردهای خونین میان لشکریان خلیفه و پیروان «مقنن»، رهبر و عده‌ای در حدود دو هزار نفر از پیروان او در میان شعله‌های آتش به خودکشی دسته جمعی مبادرت کردند و شورش سپیدجامگان پایان یافت (۱۶۳ - ۱۶۰ ق). هشام بن حکیم چند اختراع داشت که یکی از آنها ساختن گوی آتشین بزرگی بود که از اعماق چاهی به آسمان پرتاب می‌شد و گویند حدود یک ماه در آسمان باقی می‌ماند و بتدریج از فروزندگیش کاسته شده و می‌سوخت و از میان می‌رفت، که به آن ماه نخشب می‌گفتند.

المقنن با پشتیبانی پیروان خود از جیحون گذشت و به نواحی کش و نَخَف (نخشب) رفت و با خاقان چین وارد مکاتبه شد و از او بر ضد دستگاه خلافت عباسی کمک خواست. فرقه سپید جامگان را سازمان داد و چهار سال حکومت کرد. پادشاه بخارا بنبات بن طغشاده به آئین او گرائید. سرداران عباسی که به جنگ او فرستاده می‌شدند، بارها شکست خوردند. مرکز این دره رودخانه زرافشان و اما مقر خود المقنن قلعه سیام در نزدیکی شهر کش بوده است که دور و اطراف آن را به صورت استحکامات بنا کرده و قلاعی چند از

131 ARALIK 1991

88-966147

Kushājim, Maḥmūd ibn al-Ḥusayn, 10th cent.

[Turrah]  
(Ṣaqr-- wa-al-ḡayd 'inda al-'Arab)  
المقر... والميد عند العرب: كتاب  
البيزرة (البيزرة) وهو المعروف بكتاب  
الترة / رسالة صادرة لكشاجم.  
الطبعة 1. الكويت: مكتبة، 1985.  
104 p.; 20 cm.

Title page partially vocalized.  
Bibliography: p. 81-88.  
Includes indexes.  
\$2.70 (U.S.)  
1. Hunting--Early works to 1700.  
A.P.-Islam.

Giese, Alma: Wasf bei Kušāḡim. Eine Studie zur beschreibenden Dichtkunst der Abbasidenzeit. 1981. 300 S.

09 SUBAT 1996

09 AGUSTOS 2006

312. **Kušāḡim**, a. l-Faṭḥ Maḥmūd b. al-Ḥusain (350 od. 360)
1. *Adab an-nudamā'* Kūṣācīm  
a) Alexandria 1329  
b) *A. an-nadīm*/Nabīl al-'Aṭīya/Bg. 1990
  2. *al-Maṣāyid wa-l-matārid*/M. As'ad Ṭalas/Bg. 1954

252 - كشاجم، محمود بن الحسين (360 هـ / 971 م)  
(كشاجم 12/109 - ذكره 8/23)

المصايد والطارق

نشره: محمد اسعد طلس  
المقدمة 1 - 10 + النص 1 - 288 + الفهارس 62 ص  
(مطبوعات دار اليقظة، بغداد، 1954)

8621 PHILLOTT, D. C., and AZOO, R. F. Chapters on hunting dogs and cheetas, being an extract from the "Kitabu l-Bazyarah," a treatise on falconry, by Ibn Kushājim, an Arab writer of the tenth century. *JASB* N.S. 3 (1907), pp. 47-50

Tay ve sotalar ararına  
Bilgiler, 10. cürde yazan bu  
Arıp yazarı olan Ibn Kuşacım'in  
yazdığı. Sahinele ilgili bir tezden  
bir ihtilaf 27 MAYIS 1993

Giese, Alma: Wasf bei Kušāḡim. Eine Studie zur beschreibenden Dichtkunst der Abbasidenzeit. Berlin: Schwarz 1981. VI, 302 S. (Islamkundliche Untersuchungen. 62.)

Rez. J. Pauliny in: *Asian and African Studies* (Bratislava) 21.1985. S. 303-304; J. W. Weil in: *WZKM* 75.1983. S. 230.

03 HAZIRAN 1996

0209 Kušāḡim, Maḥmūd b. al-Ḥusayn

L'art du commensal : boire dans la culture arabe classique / Kushājim ; présenté, traduit de l'arabe et annoté par Siham Bouhlal ; préface d'André Miquel. - Arles : Sindbad ; Acte Sud, cop. 2009. - 89 p. ; 23 cm.

ISBN 978-2-7427-8282-6

1. Arabes - Usos y costumbres 2. Arabes - Vida social I. Bouhlal, Siham II. Titulo.

39(=411.21)

ICMA 4-34333 R. 67963

02 AĞU 2010

Kuşacım  
Maḥmūd b. al-Ḥusayn

MADDE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

0277 Kušāḡim, Maḥmūd b. al-Ḥusayn  
Diwān Kušāḡim Maḥmūd b. al-Ḥusayn al-Ramlī / Maḥmūd b. al-Ḥusayn al-Ramlī ; ḥaqqāḡa-hu Abū 'Abd Allāh Muḥammad Ḥasan Muḥammad Ḥasan Ismā'īl al-Šāfi'i. -

Ṭ. 1. - Bayrūt : Dār al-Kutub al-'ilmiya, 2008. - 197 p. : il. ; 24 cm

"1418 h."--Contraport.

ISBN 2-7451-0038-6

1. Poesía árabe - Siria - Historia y crítica  
2. Poesía árabe - Hasta S.X - Historia y crítica I. Al-Šāfi'i, Abū 'Abd Allāh Muḥammad Ḥasan Muḥammad Ḥasan Ismā'īl II. Titulo.

821.411.21(569.1)-1.09

821.411.21-1"08/09".09

ICMA 4-59183 R. 66178

06 TEM 2009

Kuşacım

MADDE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

۲۸۵ - كشاجم، محمود بن الحسين (۳۵۰ - ۹۶۰ م)

(مجمع المؤلفين ۱۲ - ۱۰۹)

ديوان شعره

نشرته: خيرية محمد محفوظ

الطبعة الأولى ۵۳۱ ص.

(وزارة الاعلام، بغداد، ۱۹۷۰)

20 OCAK 2009

1002 PHILLOTT, D[ouglas] C[raven] & AZOO, R[jizkallah] F. Chapters on hunting dogs and cheetas, being an extract from the "Kitabu l-Bazyarah", a treatise on falconry, by Ibn Kushājim, an Arab writer of the tenth century. *Falconry: texts and studies, II*. Collected and reprinted by Fuat Sezgin, in collaboration with Mazen Amawi, Carl Ehrig-Eggert, Eckhard Neubauer. Frankfurt am Main: Institute for the History of Arabic-Islamic Science at the Johann Wolfgang Goethe University, 2001, (Natural Sciences in Islam, 15), pp.1-4. [Originally published in *Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal* (Calcutta), N.S. III/1907 (1908), pp.47-50.]

MADDE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

## Kushājim

the first Arabic newspaper in Damascus, *al-Shām*. He also contributed to the Cairo journal *al-Muqtataf*. In 1901 he moved to Cairo, and attended the lectures of Muḥammad 'Abduh at al-Azhar. He went back to Damascus, but soon returned to Cairo, where he collaborated in editing the journals *al-Zāhir*, *al-Musāmarāt* and *al-Mu'ayyad*, and in 1905 founded the review *al-Muqtabas*. In 1908 he transferred it to Damascus, but in 1914 it was closed down by the Ottoman authorities. He visited Europe in 1908, 1913 and 1921–2. During his stay in Italy in 1913 he collected much of the material for his principal work, *Khīṭaṭ al-Shām* (Damascus, 1925). He was largely responsible for the founding of the Arab Language Academy of Damascus in 1919, having been inspired by the example of the Académie Française.

### Further reading

*GAL(S)*, vol. 3, 430–4.

Pellat, Ch., *EF*<sup>2</sup>, s.v. Kurd 'Alī, and bibliography there cited.

M.J.L. YOUNG

## Kushājim (d. c.360/970–1)

Abū al-Faṭḥ Maḥmūd ibn al-Ḥusayn ibn Shāhak, known as Kushājim, was a poet, polymath and collator of literature. He was born in Ramla and lived in Mosul at the court of Abū al-Hayjā 'Abd Allāh ibn Ḥamdān, then in Aleppo at the court of Sayf al-Dawla (see *Ḥamdānids*). As a panegyricist he was generously rewarded at the Ḥamdānid court for a poem on Ja'far ibn 'Alī ibn Ḥamdān. His verse is described by Blachère (in *Histoire de la littérature arabe*) as 'excessively florid and enjoying a contemporary vogue'; he was closely associated with his son-in-law al-Ṣanawbari and is one of the creators of nature poetry in Arabic, in which he evokes visual pleasure by his descriptions of gardens, flowers and trees. He also composed a number of prose works, including one on the etiquette of the *nadīm*.

### Text editions

*Dīwān*, Khayriyya Muḥammad Maḥmūd (ed.), Baghdad (1970).

*Kitāb adab al-nadīm*, Cairo (1920).

*al-Masāyid wa-al-maṭāriḍ*, Muḥammad As'ad Ṭalas (ed.), Baghdad (1954).

### Further reading

Giese, Alma, *Wasf bei Kushājim*, Berlin (1981) (see also the bibliography therein).

P.F. KENNEDY

See also: nature, in classical poetry; *wasf*

## Kuthayyir (c.40–105/660–723)

Kuthayyir ibn 'Abd al-Raḥmān al-Mulaḥī was an 'Udhri poet of the middle Umayyad period, who resided mainly in the Hijaz. A malformed half-orphan, in his poems he was occupied with his unfulfilled love to a married woman named 'Azza whose name was in later times attached to his in the genitive case: 'Kuthayyir possessed by 'Azza'. During a sojourn in Egypt (to where 'Azza had moved with her husband) he made the acquaintance of the governor 'Abd al-'Azīz ibn Marwān, and this was the starting point of his relationships with the caliphs 'Abd al-Malik (d. 86/705), 'Umar II (d. 101/720) and Yazīd II (d. 105/724) attested by panegyrics. His allegedly ultra-Shī'i ('Kaysāni') inclinations seem to be a later re-interpretation of a more personal affection for Muḥammad ibn al-Ḥanafīyya. A *dīwān* has not been preserved; the collection of fragments by 'Abbās contains 172 poems with about 2,000 verses. Favourite topics in his poetry are love and panegyrics. Infatuated by the unattainable 'Azza, he carries on the tradition of the 'Udhri poets to whom he is also linked as *rāwī* (transmitter) of Jamīl Buthayna. Unlike them, his attitude to the female sex is less adoring than defiant and demanding, and moreover he was not specialized in love poetry. In his panegyrics, the addressees are treated as friends equal in rank, not as patrons. His poetical diction has in modern times been called unaffected and easily understandable.

### Text edition

Collections of fragments: *Sharḥ Dīwān Kuthayyir*, H. Pérès (ed.), 2 vols, Algiers and Paris (1928–30); *Dīwān*, I. 'Abbās (ed.), Beirut (1971).

### Further reading

Blachère, R., *Histoire de la littérature arabe*, 3 vols, Paris (1952–66), 609–16.

al-Rabī'i, A., *Kuthayyir 'Azza, ḥayātuhū wa-shi'ruh*, Cairo (1967).

Rubinacci, R. 'I versi politico-religiosi di Kuthayyir

autobiographique. Les caractéristiques de chaque genre sont bien précisées. Il reste enfin à l'éditeur à analyser l'art du conte dans *Kalifa wa Dimna* : structure narrative, mouvement, personnages, priorité de l'idée sur la forme, clarté de la visée. Ce livre peut constituer un bon manuel.

KASSIS Anna E. et KOBBERVIG Karl I : *Las Concordancias del Coran*, Madrid, Instituto Hispano-Arabe de Cultura, 1987, 882 p. - C'est un précieux instrument de travail que l'Institut Hispano-Arabe de Madrid met à la disposition des islamologues. Une longue introduction en précise les caractéristiques et en guide l'emploi (p. XV-XXXVIII). Les concordances partent des termes arabes regroupés à partir de la racine trilitaire par ordre alphabétique selon la transcription castillane donnée dans les premières pages. Chaque terme est accompagné de sa (ou de ses) traduction(s) empruntées aux traductions castillanes du Coran de Juan VERNET (1963 et 1983) et de Julio CORTES (1973, 1984 et 1986). Les références aux versets utilisent la numérotation du Caire suivie de celle de Fluegel. L'ouvrage passe ainsi en revue tous les mots du Coran sauf les prépositions, les conjonctions et les particules. Il omet aussi les pronoms, sauf *huwa* quand il se réfère à Allah. Une première partie comprend les "concordances générales" (p. 3-682). La deuxième énumère les vocables associés au Nom Divin (p. 687-738). A quoi s'ajoute un index de tous les mots espagnols utilisés par les traducteurs sus-mentionnés avec leur ou leurs correspondants arabes. La consultation peut donc se faire soit à partir de l'arabe soit à partir de l'espagnol. L'introduction propose également une brève étude sur le Coran lui-même, sur sa langue et sur les traductions utilisées (p. XV-XIX et XXIX-XXXVI). Quelques errata sont signalés, fort peu nombreux si on réfléchit à l'immensité du vocabulaire manié dans ce livre. Un signe indubitable de la grande valeur de ce travail.

LANDOUZE André : *Djibouti*, Paris, Karthala, 2ème éd., 1989, 246 p. - Le but de l'ouvrage est de faire connaître le pays, d'où l'emploi d'un certain nombre de moyens didactiques tels qu'encadrés, tableaux, textes juridiques, renseignements pratiques. On en connaît peut-être mieux la géologie bousculée, grâce à Haroun Tazieff. L'histoire de ce territoire est marquée par l'Islam et les rapports entre tribus, mais surtout par la colonisation française qui y crée une économie complètement artificielle. Ce phénomène perdure malgré l'indépendance obtenue en juin 1977 : toutes les péripéties politiques qui ont abouti à celle-ci sont données. Les relations internes entre ethnies occupent l'histoire récente autant que les combats pour le développement, mais les perspectives économiques font état d'une grande fragilité. L'A. aborde les questions de la vie quotidienne et surtout celle du Qât, cet hallucinogène léger qui est aussi le fléau du Yémen. Enfin le problème des réfugiés est loin d'être résolu.

LOURIDO DIAZ Ramon : *Marruecos y el mundo exterior en la segunda mitad del siglo XVIII*, Madrid, Agencia española de Cooperación Internacional, 1989, 743 p. - Ce livre étudie les relations politico-commerciales du sultan Sidi Muhammad b. 'Abd Allah (1757-1790) avec l'extérieur. C'est le complément d'un autre ouvrage du même auteur portant sur la politique intérieure de ce sultan (Instituto Hispano-Arabe de Cultura, 1978, 356 p., voir *IBLA*, 1978, p. 374). Après une longue bibliographie critique, l'A. montre comment des barrières séculaires tombent : la mer et l'esclavage. Puis il parle de la lutte pour la récupération des enclaves étrangères et de l'ouverture sur l'Europe (p. 247-291). La politique et le commerce apparaissent au service de la réintégration territoriale. Les difficultés internes ont évidemment des répercussions sur les relations avec l'Europe (p. 431-645). Le règne du sultan se termine par des rêves d'hégémonie sur l'Islam occidental.

MAHFUZ Naguib : *Cuentos ciertos e inciertos*, trad. y pres. de Marcelino VILLEGAS y

Maria-J. VIGUERA, 2a ed., Madrid, Instituto Hispano-Arabe de Cultura, col. de Autores Arabes contemporaneos n° 9, 1988, 275 p. - *Principio y Fin*, trad. Marcelino VILLEGAS. Madrid, Instituto Hispano-Arabe de Cultura, col. de Autores Arabes contemporaneos n° 17, 1988, 324 p. - *Miramar*, trad. di Isabella CAMERA D'AFFILITTO con la collaborazione di Ibrahim Rifaat, Roma, Edizioni Lavoro, 1989, 188 p. - L'attribution du prix Nobel de littérature à Naguib Mahfuz en octobre 1988 a révélé l'attention du monde littéraire non-arabophone et des éditeurs sur l'oeuvre du grand romancier égyptien. *Cuentos ciertos e inciertos* présente un choix de nouvelles extraites de divers recueils s'échelonnant depuis "Le murmure de la folie" (1938) jusqu'à "Histoire sans queue ni tête" (1971). La première édition arabe de *Principio y fin* remonte à 1949. Celle de *Miramar* date de 1969. Dans son introduction, la traductrice situe ce roman dans le contexte socio-politique de l'époque, ainsi que dans celui de l'oeuvre et de la vie de l'A. Elle reconnaît avoir pris quelques libertés avec les structures grammaticales et syntaxiques de l'original afin d'en mieux rendre le style populaire et familier : traduction "littéraire", précise-t-elle, non "littérale"... fidélité à l'esprit au-delà de la lettre.

*Al-Mansuri fi l-bayzara* (éd. 'Abd al-Hafiz MANSUR), Carthage, Bayt al-Hikma, 1989, 244 p. - Ce traité de vénerie et de fauconnerie est d'un auteur inconnu, mais ayant vécu au temps du sultan hafside al-Mustansir (1249-1276) qui allait chasser dans une réserve du côté de Bizerte. L'A. s'est basé sur son expérience personnelle, mais il n'a pas négligé les sources précédentes, en particulier deux ouvrages : *al-Mutawakkali* de 'Umar al-Bāzyār et *al-Maṣā'id wa l-maṭārid* d'Abū l-Fatā Kūsāgīm. Le texte est incomplet puisqu'il commence au quatrième livre. Dans la présente édition, la moitié du livre est consacrée aux chiens : période de reproduction, qualités et défauts, nourriture, dressage, traitement de leurs maladies. Après quelques pages sur les guépards et la chasse sans chien ni faucon, la deuxième moitié du livre dresse une liste des principaux animaux chassés, avec leurs caractéristiques.

AL-MAZRI : *al-Mu'lim bi-fawā'id Muslim* (éd. M. al-Šāqlī al-NAYFAR), Carthage, Bayt al-Hikma, tome II, 1988, 530 p. - Le premier tome de cet ouvrage a été présenté ici (*IBLA*, 1987, p. 404). On ne reviendra donc pas sur l'A. ni sur la longue présentation de l'éditeur. Le volume 2 contient les livres sur l'aumône légale, le jeûne, le pèlerinage (p. 67-126), le mariage, l'allaitement, la répudiation, l'affranchissement, les ventes, les transactions, le droit de préemption, les vœux, les serments, le vol, l'adultère, le témoignage. Les divers indices couvrent 120 pages.

*Le monde arabe au regard des sciences sociales*, Tunis, CDTM, 1989, 171 p. - Ce livre contient la première livraison des conférences données au Centre de Documentation Tunisie-Maghreb, dirigé par Anne-Marie Planel. Les onze textes de cette sélection ont été choisis parmi les 135 exposés qui ont abordé les domaines les plus variés. En histoire, la question nationale au Maghreb (Gallissot) et le Parti colonial français face à la question tunisienne (Ageron); en démographie, l'impact de la crise pétrolière sur les migrations (Fargues); dans le domaine politique, le Sahara occidental (Vergniot et Khadija Mohsen) et les banlieues de l'Islam (Kepel); la littérature du voyage au Maghreb (Denise Brahim); les pratiques économiques islamistes (Barbulesco); les politiques hydrauliques au Maghreb (Perennes); l'histoire des transports collectifs urbains à Tunis (Chantal Chanson-Jabeur); rapport entre espace urbain et transport collectif dans les villes de Tunisie (Taoufik Belhareth). La variété des sujets et la qualité des contributions montrent l'intérêt de cette publication.

AL-MSINDI 'Abd al-Salām : *Marāgī' al-lisāniyyāt*, Tunis, MAL, 1989, 417 p. - Cette bibliographie linguistique s'attache à relever tout ce qui a été écrit en arabe ou traduit



ديوان

كشكول

محمود بن الحسين  
المتوفى سنة ٣٦٠ هـ

دراسة وشرح وتحقيق  
الدكتور البري عبد الرزاق

أستاذ ورئيس قسم الأدب والنقد  
بكلية الدراسات الإسلامية والعربية للبنات  
جامعة الأزهر

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	55391
Tas. No:	852.7 ٢٠٠٤.٥

الناشر مكتبة الخانجي بالقاهرة

U 6 NISAN 1999

diwan

جميع حقوق الطبع محفوظة للناشر

الطبعة الأولى  
١٤١٧ هـ = ١٩٩٧ م

رقم الإيداع ١١٧٣٢ / ١٩٩٦  
الترقيم الدولي I.S.B.N.  
977-5046-26-2

المؤسسة السعودية للمطبوعات  
٢٨ شارع البلدية - القاهرة - ت. ٤٨٧٨٨١  
مطبعة المكني

51-101; A. Klingenberg, in *Mitteilungen f. Orient. Forsch.*, iv (1956), 211-77. On Bedja, R. A. Hudson, in *African language Studies*, xv (1974), 111-42; L. Reinisch, *Die Bedaue-Sprache in Nordost-Afrika*, Vienna 1893; idem, *Wörterbuch der Bedaue-Sprache*, Vienna 1895; E. M. Roper, *Tu Bedawiye*, London 1929. On 'Afar, G. Colizza, *La lingue Afar nel Nord-est dell'Africa: grammatica, testi e vocabolario*, Vienna 1887; L. Reinisch, *Die 'Afar-Sprache*, i-ii, Vienna 1885-7. On Saho, L. Reinisch, *Die Saho Sprache*, i-ii, Vienna 1889-90. On Somali, R. C. Abraham, *English-Somali dictionary*, London 1967; B. W. Andrzejewski, *The declension of Somali Nouns*, London 1964; L. E. Armstrong, *The phonetic structure of Somali*, in MSOS No. 34; C. R. V. Bell, *The Somali language*, London 1953; M. M. Moreno, *Il somalo della Somalia: grammatica e testi del Banadir, Darod e Dighil*, Rome 1955; L. Reinisch, *Die Somali-Sprache*, i-iii, Vienna 1900-3; idem, *Die Dschäbarti-dialekt der Somali-Sprache*, Vienna 1904. On Oromo, G. Da Thiene, *Dizionario della lingua galla*, Harar 1939; M. M. Moreno, *Grammatica teorico-pratica della lingua galla con esercizi*, Milan 1939; F. Praetorius, *Zur Grammatik der Galla-Sprache*, Berlin 1893. On Agaw, C. Conti-Rossini, *La langue des Kemant en Abyssinie*, Vienna 1912; R. Hetzron, *The verbal system of Southern Agaw*, Berkeley 1969; F. R. Palmer, in *BSOAS*, xix (1957), 131-59, xxi (1958), 376-91; idem, in *Mitteil. f. Orient. Forsch.*, vii (1959), 260-97; L. Reinisch, *Die Bilin-Sprache in Nordost Afrika*, Vienna 1887. On Sidamo, E. Cerulli, *La lingua e la storia di Sidamo*, Rome 1938; M. M. Moreno, *Manuale di Sidamo*, Milan 1940. On the Kushitic of the west: E. Cerulli, *Il linguaggio dei Giangero ed alcune sidama dell'Omo (basketto, ciara, zaiššè) (= Studi Etiopici iii)*, Rome 1938; idem, *La lingua caffina (= Studi Etiopici iv)*, Rome 1951; W. Leslau, *A dictionary of Moca (Southwestern Ethiopia)*, Berkeley-Los Angeles 1959; M. M. Moreno, *Introduzione alla lingua ometo*, Milan 1938; L. Reinisch, *Die Kafa-Sprache in Nordost-Afrika*, Vienna 1888.

(D. COHEN)

**KUSHĀDJIM**, MAHMŪD B. AL-ḤUSAYN B. AL-SINDĪ B. SHĀHAK, ABU 'L-FATH, poet of the 4th/10th century whose death is variously given in the sources between 330/941 and 360/971, but which must have taken place ca. 350/961. Originally from a family of Sind [see IBRĀHĪM B. AL-SINDĪ], he was born at al-Ramlā and lived at al-Mawṣil at the court of Abu 'l-Haydīā 'Abd Allāh b. Ḥamdān [see ḤAMDĀNĪDS], and then at Aleppo, in the entourage of Sayf al-Dawla [q.v.]; he also made several journeys to Egypt, Baghdad, Damascus and Jerusalem. His verses are described by R. Blachère, *Motanabbī*, 134, as "excessively florid and enjoying a contemporary vogue", which is confirmed by al-Mas'ūdī, who in his own lifetime, devoted long passages to him in his *Murūdj* (see index). He was closely associated with his son-in-law al-Ṣanawbarī [q.v.], and he is one of the creators of nature poetry in Arabic, in which he evokes visual pleasure by his descriptions of gardens, flowers and trees. But he was also a *kātib*, an astrologer and master-cook to Sayf al-Dawla; he excelled in so many branches of knowledge and activity that his surname *Kushādjim* is said to be an acrostic formed out of the initial letters of the subjects in which he excelled, or out of various adjectives—a *kāf* for *kitāba/kātib*, *shīn* for *shīr/shā'ir*, *alif* for *adab/adīb* or for *inshā'*, *djīm* for *djadal/djawād*, *mīm* for *manṭik/munadīdjīm*. It is even said that, after having studied medicine, he

added a *fā'* (for *fibb*) to his name, which became *Ṭakushādjim*, but had hardly any success.

He has left behind a *Diwān*, first published at Beirut in 1313/1895-6, then at Baghdad in 1970 (by Ṭ. Kh. M. Maḥfūz); a collection of *Rasā'il* (*Fihrist*, 200), an *Adab al-nadīm/al-nudamā'*, ed. Būlāk 1298, Alexandria 1329; a *K. Khaṣā'is al-ʿArab*; a *K. al-Ṭabīkh*; a *Kanz al-kuttāb* (al-Kalkāshandī, *Ṣubḥ*, i, 154, 162-3; a *K. al-Maṣāyid wa 'l-maṭārid* (partial ed., carelessly done, Baghdad 1954) comprising some 20 poems on hunting, some of which are reproduced in the *K. al-Bayzara* (cf. F. Viré, *Le traité de l'art de volerie*, Leiden 1967, 2), in the *Diwān* and in vol. x of al-Nuwayrī's *Nihāya*.

*Bibliography*: Ibn Charaf, *Questions de critique*, index; Tha'ālībī, *Yatīma*, i, 22; idem, *Khaṣṣ al-khāṣṣ*, 107; Ibn al-ʿImād, *Shadharāt*, iii, 37-8; M. Canard, *Saif ad-daula*, 292-3; A. Mez, *Renaissance*, index; Brockelmann, S I, 137; Ziriklī, *A'lam*, s.v.

(CH. PELLAT)

**AL-KUSHASHI**, ṢAFĪ AL-DĪN AḤMAD B. MUḤAMMAD B. YŪNUS, AL-MADANĪ AL-DADJĀNĪ, Sūfī mystic and scholar, b. Medina 991/1583. Little is known of his life. His family on his father's side migrated from the village of Dadjān near Jerusalem and settled in Medina. He spent part of his life as a soldier. In 1011/1602-3 he travelled with his father to the Yemen, where he studied with various of the religious teachers, especially those with whom his father, Muḥammad b. Yūnus had studied. An incident not specified in the sources disturbed him deeply, causing him to return hurriedly first to Mecca, and then to Medina, where he continued to study from some of the great mystics of Indian origin, especially al-Shinnawī and Ṣibghat Allāh, and through them, the works of al-Ḡhawth al-Hindī. He was affiliated to several mystical orders, including the *Nakshbandī*, the *Kādirī* and the *Shattāri*. He attracted numerous students, and enjoyed a reputation for extraordinary humility. He is of particular importance because of the character of his transmission of the doctrines of the school of Ibn al-ʿArabī [q.v.], particularly as reformulated by 'Abd al-Karīm al-Djillī [q.v.] to various parts of the Muslim world, including Sumatra and Java. Among his students for almost twenty years (1051-70/1641-60) was the Sumatran 'Abd al-Ra'ūf of Singkel, and numerous Djāwī associates of whom we do not know the names. His pupil and successor as *shaykh* of the *Shattāriyya* order, al-Kūrānī [q.v.], maintained his wide circle of students, and gives much information about him in his *al-Amam* (see *Bibl.*). It is worthy of note that Ṭāhir, the son of his greatest student al-Kūrānī, was a teacher of Shāh Walī Allāh [q.v.].

His works include Sūfī interpretations of *hadīth*, rare among Sūfī authors, who devote most of their exegetical skill to the *Kur'ān*. He was noted for the extent to which he associated *Kur'ānic* and *hadīth* quotations with his views, and his skill in presenting the *isnād* of every *hadīth* that he cited. A commentary on his rhymed credal statement *al-ʿAḥida al-manzūma* by his student Ibrāhīm al-Kūrānī entitled *Kaṣī al-sabīl* was rendered into Malay, possibly by his student 'Abd al-Ra'ūf.

His books on *hadīth*, *uṣūl* and *taṣawwuf* number more than fifty. One has been published (*al-Sim' al-madīd fi talkīn al-dhikr*, Haydarābād 1327). Other works, listed by al-Baghdādī, include *Hāshiyā 'ala 'l-Insān al-kāmil li-'Abd al-Karīm al-Djillī*, *al-Kalīma al-wuṣṭā fi sharḥ hikam Ibn al-ʿAṭā'*, and *al-Kamālāt al-ilāhiyya*. He died at Medina in 1071/1660-1, and was buried in the Baḳī' cemetery.



المعارف بسوسة في تونس، ١٩٨٨.

٥- كتاب «دراسات في الترجمة والمصطلح والتعريب» تأليف شحادة الخوري، إصدار دار طلاس للدراسات والترجمة والنشر بدمشق، ط ٢/ ١٩٩٢.

٦- كتاب «اللغة والتعريب ودور الإعلام» تأليف الدكتور فائز الصائغ، إصدار دار مجلة الثقافة بدمشق، ١٩٩٢.

٧- دراسات ومقالات عديدة حول التعريب والترجمة والمعاجم منشورة في مجلات عربية عديدة وأهمها مجلة «اللسان العربي» الصادرة عن مكتب تنسيق التعريب بالرباط.

\* \* \*

Mecellelu Mecmai'l-Lugati'l-

Arabiyye bi-Dimask,

cild: 72 / sayı: 2 (1422/2001)

Dimask, s. 375-386.

D.078

MAD  
SONR  
KAN



كشاجم

(التعريف والنقد)

نظرات في سيرة كشاجم وآثاره

(القسم الثالث) (\*)

كتاب المصايد والمطار

الدكتور محمد بن عبد الله العزّام

هذا باب لم يكن في الحسبان! فلقد وقف الدكتور محمد أسعد طلس رحمه الله على كتاب اسمه المصايد والمطار منسوب إلى كشاجم، ونسخته في طهران مكتوبة في سنة ٦١٣، فنشرها في بغداد سنة ١٩٥٤، وجزم بأنه من تصنيفه. كما جزم بذلك أستاذنا الدكتور عبد الرحمن رأفت الباشا رحمه الله (في كتاب الصيد عند العرب، ٢٥٨) بناء على أنه مذكور في كشف الظنون وشذرات الذهب وغيرها. وفي إستانبول نسخة أخرى قديمة لم يطلع عليها المحقق، وهي غير مؤرخة، وهو فيها منسوب إلى كشاجم أيضاً (انظر مقالة المستشرق ولفنسون في مجلة المجمع العلمي العربي ١٨/ ٢١٠). وفي وفيات الأعيان والكتاب المنصوري في البيزرة ونهاية الأرب وحياة الحيوان ومطالع البدور وغيرها نصوص منه غير قليلة، وهي موجودة في النسخة المطبوعة. فلا شك في نسبة الكتاب إليه ابتداء من القرن السابع، إن لم يكن قبل ذلك.

ولكن ذكر الكتاب في مصنّفات المتأخرين لا يكفي لحسم الأمور،

(\*) نشر القسم الأول والثاني في: مج ٧٥ ج ٢ ص ٤١٣-٤٣٦ / مج ٧٦ ج ١ ص ١٥٧-١٩٢.

التلمساني (١٠٤١هـ)، تحقيق د. إحسان عباس، دار صادر، بيروت،  
١٤٠٨هـ - ١٩٨٨م.

- هدية العارفين في أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، إسماعيل باشا  
البغدادى (١٣٣٩هـ)، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٢هـ - ١٩٨٢م.

C. Brockelmann, Oeschichte, Der Arabischen -  
Litteratur, Leiden, ١٩٣٧.

### (التعريف والنقد)

## نظرات في سيرة كشاجم وآثاره (القسم الأول)

الدكتور محمد بن عبد الله العزّام

لم أكن أعرف شيئاً كثيراً عن أبي الفتح كشاجم، ولكنني انصرفت في بضع  
السنوات الأخيرة إلى دراسة سيرة أبي الطيّب المتنبّي وأخباره وشروح ديوانه،  
فكنت أعجب من غياب اسم هذا الشاعر المشهور من أخباره ومن أخبار سيف  
الدولة، مع أنه كان يعيش في حلب وكان فيما يقولون من شعراء سيف الدولة.

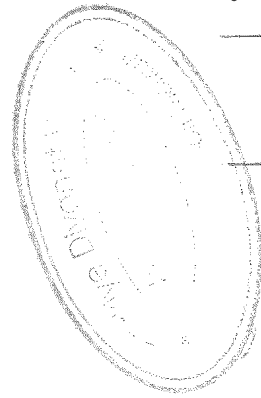
### طبقات الديوان:

ثم أطلعت على الطبعة الجديدة من ديوانه، وهي بتحقيق الدكتور النبوي  
شعلان ومن منشورات مكتبة الخانجي بمصر في عام ١٩٩٧. فإذا مكتوب على  
الغلاف: المتوفى سنة ٣٦٠، فازداد العجب لأن المحقق الفاضل ينبغي أن يكون قد  
حرر المسألة، ولكن ظهر أنه لم يبحثها أصلاً، ووجدته يردّد الكلام المعروف عن  
سيف الدولة وإكرامه للشعراء، وتوسّع فيه في مقدّمة كتاب أدب النديم، من غير  
الاهتمام ببحث وجود كشاجم في قصّره وعصره، كأنها مسألة مفروغ منها.  
ولكنّه قصر في استخراج الأشعار المتنازع عليها بينه وبين السريّ الرّقاء، مع  
أنه وقف على ديوان السريّ الصادر عام ١٩٨١. وهذه الأشعار تدلّ على مقدار

*Mecelleto Meemai'l - Lugati'l - Arabiyye*  
*bi-Dimask, cilt: LXXV / no: 2*

1420/2000, s. 413-436.

D. 078



دِيَوَانُ

كشكول

محمود بن الحسين  
المتوفى سنة ٣٦٠ هـ

دراسة وشرح وتحقيق  
الدكتور السوي عبد الواحد شعيران

أستاذ ورئيس قسم الأدب والنقد  
بكلية الدراسات الإسلامية والعربية للبنات  
جامعة الأزهر

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	50305
Tas. No:	892-7 K.Ü.Ş.D

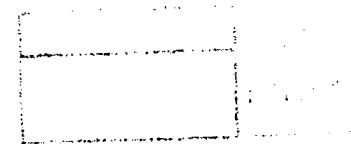
الناشر مكتبة الخانجي بالقاهرة

- Kısacem

جميع حقوق الطبع محفوظة للناشر

الطبعة الأولى  
١٤١٧ هـ = ١٩٩٧ م

رقم الإيداع ١١٧٣٢ / ١٩٩٦  
I.S.B.N. الترقيم الدولي  
977-5046-26-2



مطبعة المدني  
المؤسسة السعودية للمطبوعات  
٢٨ شارع العباسية - القاهرة - ١١٥٠٠٠٠٠

1997

وصف الطبيعة عند كشاجم الرملي (١)

Kashajm

صالح علي الشتيوي\*

ملخص

وفي العصر العباسي تطور وصف الطبيعة؛ فصار الشعراء يتأنون في رسم مشاهدنا ولوحاتها، بسبب تحضرهم واختلاطهم بالعجم، ولا سيما الفرس الذين كانوا يهتمون بالورود والأزهار. وكشاجم أحد الشعراء العباسيين الذين فتنهم الطبيعة؛ فعنوا بها، وتغنوا بمفاتها، ولا غرو في ذلك؛ فقد عاش في بيئة الشام التي اشتهرت بأزهارها وورودها وكثرة مياهها، فنالت إعجابهم، واستفزت مشاعرهم؛ فوصفها مضافاً عليها المشاعر الإنسانية، فلم تعد طبيعة وحسب، وإنما غدت كأنها بشر يُحسّ ويعقل، فضلاً عن أنه عاش فترة في مصر؛ فشهد مياهها وما تحتويه من أسماك؛ فانعكس ذلك في شعره، وراح يتغنّى بالطبيعة، حتى امتلأ ديوانه بأوصافها، بل يكاد يكون معجماً يتضمن أنواعها ومظاهرها. وقد وصف كشاجم الطبيعتين، الجامدة والحية.

تدور هذه الدراسة حول الطبيعة في شعر كشاجم الرملي، فقد وصف الطبيعتين: الجامدة والحية؛ فوصف الرياض والأزهار والفواكه، وغيرها، كما وصف الحيوانات بأنواعها المختلفة: البحرية والبرية، كالأسمك والفرس والطيور والثعالب. وقد استغل التشخيص في وصفه، فبث الحياة في الجمادات، فجاءت أشعاره لوحات تمتاز بالحركة والحيوية، كما تأثر بمعطيات الحضارة العباسية الجديدة، فاستخدم الصور المبتكرة، والألفاظ الأعجمية وخاصة الفارسية والبيدج. وقد قصر غير قليل من قصائده ومقطوعاته على الوصف، ولذا كان يفصل في رسم صورة الموصوف، ويجلوها أمام القارئ. وقد كان لكشاجم مكانة بين شعراء الطبيعة في عصره، فقلده بعض الشعراء وترسموا خطاه، كما انتقلت مدرسته في الوصف إلى شعراء العراق وبارس وخراسان والأندلس، فقلدوه في وصف مظاهر الطبيعة كوصف الثلج والأنهار والأزهار، وغير ذلك.

الطبيعة الجامدة:

وصف كشاجم مظاهر الطبيعة المختلفة، فقد وصف الرياض المعشبة، فقال (٢): إلى الروض الذي قد زينتته شأبيب (٣) السحاب بالبكاء بكين عليه فابتهجت ربابه تباهي في زخارف نسج ماء كأن الأفحوان بجانبه عذارى يتسمن من الحياء فالروض قد زينتته السحاب المنهله، ويتخيل ما تنزله هذه السحاب من مطر دموعاً تُذرف، ومن المعروف أنّ البكاء من أمارات الحزن، ولكنه هنا، يقابل ببهجة وفرح، كناية عن تفتح الأزهار والأعشاب في الروض، أما الأفحوان فيشبهه الفتيات الحيات اللواتي يتسمن في حياء وخفر، فيكن أكثر جمالاً وإشراقاً.

وصف الطبيعة من الأغراض الشائعة في الشعر العربي، فقد كان الشعراء القدماء يصفون الطبيعة: الجامدة والحية، فقد وصفوها في ثنايا قصائدهم ومقطوعاتهم، مصورين المناظر التي كانوا يشاهدونها.

\* قسم اللغة العربية، كلية العلوم والآداب، الجامعة الهاشمية، الزرقاء، الأردن. تاريخ استلام البحث ١٠/٢٨/١٩٩٧ وتاريخ قبوله ٩/٢٤/١٩٩٨.

(١) هو أحد فحول الشعراء، واسمه محمود بن حسين، كان من الشعراء المجيدين، والفضلاء المبرزين، حتى قيل إن لقبه منحوت من عدة علوم كان يتقنها؛ فالكاف للكتابة، والشين من الشعر، والأف من الإنشاء، والجيم من الجدل، والميم من المنطق، وكان يضرب بملحه المثل، فيقال: ملح كشاجم... وهو من أهل الرملة من نواحي فلسطين، وكان رئيساً في الكتابة، ومقّماً في الفصاحة والخطابة... قيل: إنه كان طبّاح سيف الدولة، وشعره أنيق، وقد طلب علم الطب حتى مهر فيه، وصار أكبر علمه، فزيد في اسمه طاء من طبيب وقدمت، فقيل: طكشاجم، ولكنه لم يشتهر. وقد أقام بمصر مدة فاستطابها، ثم رحل عنها، فكان يتشوق إليها، ثم عاد إليها. مات سنة ٣٦٠هـ.

ومن البين، أنّ الشاعر لم يعمد إلى التعبير المباشر، وإنما لجأ إلى التصوير الفني، ولا ريب في أن الشعر ليس

انظر الحنبلي، شذرات الذهب، ج٣، ص ٣٧-٣٨، وانظر ابن النديم، الفهرست، ص ٢٢٥؛ والشابشتي، الديارات، ص ٢٦٠؛ والسيوطي، حسن المحاضرة، ج١، ص ٥٦٠.

(٢) كشاجم، ديوانه، ص ٢٧؛ وانظر الشريشي، شرح مقامات الحريري، ج٣، ص ١٩٠.

(٣) الشأبيب من المطر: جمع الشؤبوب، وهو الدفعة من المطر. انظر ابن منظور، لسان العرب المحيط، شأب.

163843

Kutub

من  
تراثنا العربي

أبو الفتح كشاجم البغدادي

(محمود بن الحسين بن محمد بن السندي بن شاهك بن زادن بن شهریار الرازي الساساني)

في آثاره وآثار الدارهي

(حوالي ٢٨٠هـ / ٨٩٣م - حوالي ٣٢٨هـ / ٩٥٩م)

تأليف

أ.د. ثريا عبد الفتاح ملحس

دار البشير

جميع الحقوق محفوظة للمؤلفة

الطبعة الأولى

١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م

09 AGU 2007

رقم الإيداع لدى دائرة المكتبة الوطنية  
(٢٠٠٣/٧/١٥٤٦)

٩٢٨،١

ملحس ، ثريا  
أبو الفتح كشاجم البغدادي في آثاره وآثار الدارسين / ثريا  
ملحس - عمان : المؤلف ، ٢٠٠٣ .  
(١٠٣١) ص .  
ر . ٢٠٠٣/٧/١٥٤٦ : .  
الواصفات : / الشعراء العرب // التراجم // الشعر العربي /

\*\* تم إعداد بيانات الفهرسة والتصنيف الأولية من قبل دائرة المكتبة الوطنية

رقم الإجازة ٢٠٣٣/٧/١٥٩٤ .

رسم الغلاف : دانة خان نائل ملحس

MAS  
SORBA  
LIBRARY  
DAMAN

Abū l-Faḥḥ Maḥmūd ibn al-Ḥusain as-Sindī, genannt Kušāḡim<sup>7</sup>,

<sup>7</sup> GAL I 85; S I 137; GAS III 378.

jener bekannte Dichter, der am Hofe des Saif ad-Daula lebte und 350/961 oder 360/971 gestorben ist, schrieb zwei Bücher über die Jagd. Das kleinere trägt den Titel *K. an-Nuzah* („Die Jagdausflüge“)<sup>1</sup>. Unter weitgehender Benutzung des Adham/al-Ġiṭrif-Werkes beschreibt Kušāḡim die verschiedenen Jagdvogelarten, zuletzt den Gepard und die Jagdhunde.

Das zweite Buch, das *K. al-Mašāyid wa-l-maṭāriḍ* („Die Fallen und Spieße“)<sup>2</sup>, ist eines der berühmtesten Werke der arabischen Jagdliteratur. Der Text ist sowohl in der ursprünglichen Fassung als auch in einer von Kušāḡim selbst leicht überarbeiteten Form handschriftlich erhalten. Alles über die Jagd und die Jagdtiere Wissenswerte, Naturbetrachtung wie gesetzliche Bestimmungen, sind in der Form eines Adabwerkes anmutig vorgetragen. Viele Jagdgedichte, auch solche von Kušāḡim selbst, schmücken die Darstellung aus.

Kaum vor 378/988 ist ein Falkenbuch<sup>3</sup> anzusetzen, das ein in Diensten des Fātimiden al-‘Aziz bi-llāh (gest. 386/996) stehender Falkner geschrieben hat. MUḤAMMAD KURD ‘ALĪ vermutete, daß der Name des Autors abū ‘Abd Allāh al-Ḥasan ibn al-Ḥusain sei; DETLEF MÖLLER<sup>4</sup> identifizierte den Autor mit einem al-Ḥusain al-bāzyār al-Miṣrī und das Werk mit dessen *K. at-Tamām wa-l-kamāl fī ‘ilm al-ġāriḥ*. Inhaltlich ist das Werk im ganzen ein aus dem anonymen *K. Ṣifāt al-ġawāriḥ* (→ S. 46) und dem *K. al-Mašāyid* des Kušāḡim zusammengestelltes Plagiat. Nur die Einkleidung stammt von dem fātimidischen Falkner selbst. Dieses Buch ist von az-Zainabī stark benutzt worden.

<sup>1</sup> Möller Falknereilit. 61-63.

<sup>2</sup> Ed. Muḥammad As‘ad Ṭalas, Baġdād 1954 (unzureichend). Dazu: Rudolf Sellheim, *Oriens* 9, 1956, 156-158; b. -Muṭrān Bustān fol. 19b 2; *Qalq. Ṣubḥ* II 36, 12; 37, 4; 40, 3-12, 15; 43, 10; 45, -5; 49, 3; 53, 4; 56, 11. ult.; 57, -4; 58, 1. -3; 59, 12; 60, 5. -5; 61, -6; 63, -4; 64, 9; 66 ult. etc. **Teilübers.**: D.C. Phillott and R. F. Azoo, *Chapters on Hunting Dogs and Cheetas, being an extract from the „Kitābu ‘l-Bazyarah“*, a treatise on falconry, by Ibn Kushāḡim, in: *Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal*, N.S. 3, 1907, 47ff.; Andreas Jacobi, *Das Jagdbuch des Kušāḡim*, Diss. Bonn 1941. **Lit.**: Möller Falknereilit. 63-72; 112f.

<sup>3</sup> Ms. Chester Beatty 3831. Ed.: *Al-Baizara*, ed. Muḥammad Kurd ‘Alī, Damaskus 1372/1953 (der handschriftlich erhaltene Schlußteil des Werkes fehlt in dieser Edition). **Rez.**: Hellmut Ritter, *Oriens* 9, 1956, 147-149. **Übs.**: François Viré, *Le Traité de l'art de volerie (Kitāb al-Baizara) rédigé vers 385/995 par le Grand-Fauconnier du calife fātimide al-‘Aziz bi-llāh*, in: *Arabica* 12, 1965, 1-26; 113-139; 262-296; 13, 1966, 39-76. **Lit.**: Bernhard Lewin, *Le grand fauconnier de ‘Aziz-billāh al-Fāṭimī et son Kitāb al-Baizara*, in: *Orientalia Suecana* 7, 1958, 110-121.

<sup>4</sup> Möller Falknereilit. p. 73-77.

MANFRED ULLMANN, DIE NATUR- UND GEHEIMWISSENSCHAFTEN  
IM ISLAM, LEIDEN 1972, s. 46-47

## اللغة والحرف في شعر كشاجم

د. مسعود بوبو

- 1 -

كشاجم هو أبو الفتح محمود بن حسين الرملي المتوفى سنة ٣٥٠ هـ .  
 ووجدت ترجمته على ظهر ديوانه على الوجه التالي (١) :

هو محمود بن الحسين بن السندي بن شاهك الكاتب المعروف بكشاجم .  
 هو من أهل الرملة من نواحي فلسطين ، كان رئيساً في الكتابة ، ومقدماً في  
 الفصاحة والخطابة ، له تحقيق يتميز به على نظرائه ، وتدقيق يربو به على  
 أكفائه ، وتحديق في علوم التنجيم أضرَم فيه شعله ذكائه ، فهو الشاعر المفلق ،  
 والأديب المدقق ، لقب نفسه بكشاجم ، فسئل عن ذلك فقال : الكاف من كاتب ،  
 والشين من شاعر ، والألف من أديب ، والجيم من جواد ، والميم من منجم . وكان  
 طبّاح سيف الدولة ( الحمداني ) . له كتاب المصايد ، وأدب النديم . نشر  
 ديوانه ببيروت سنة ١٣١٣ هـ . قال فيه بعضهم :

يا بؤس من يُمْنى بدمع ساجم يَهْمِي على حُجُب الفؤاد الواجم  
 لولا تَعَالَتْه بكأس مدامة ورسائل الصابي وشعر كشاجم

- 2 -

وقبل النظر في طبيعة لغته الحرفية وخصائصها يستحسن أن نقف عند  
 مفهوم الحرفة وصلتها باللغة عند علماء اللغة الحديثين .

أما مفهوم الحرفة فيطلق اليوم على العمل الذي يؤديه الانسان ليحقق به  
 دخلاً ، أو على المهنة التي يزاولها ليكسب منها عيشه ، أو ليرضي بها ميله وهوايته  
 أو لينفذ أوامر أزمته بهذا النشاط الانساني أو ذاك . وتُدرج الحرفة  
 عند العرب في جملة الصنائع التي عزفوها في تراثهم وحضارتهم . وقد  
 كانت حرفهم قديماً بسيطة معدودة توافق طبيعة حياتهم وحاجاتهم التي  
 يستدعيها السكن والكساء والطعام وما يتفرّع عن ذلك من آلة الحياة . . . ولعل  
 ابن خلدون من هنا قرر أن « العرب أبعد الناس عن الصنائع ، والسبب في ذلك  
 أنهم أعرق في البدو وأبعد عن العمران الحضري » (٢) .

ولأن الحرف لم تنتشر في المجتمع البدوي فقد أنف العرب الاشتغال بها  
 وتركوا أمور خدماتهم للعبيد أو الأسرى أو الاماء (٣) ، فضلاً عن أن حياة الحل  
 والترحال والفتو والافارة والصيد لم تكن تتيح لهم التروي في العمل اليدوي  
 الذي تتطلبه حرفهم البسيطة . لكن العرب ، عندما اختطوا الحواضر  
 والمدن وعرفوا مجتمعات الاستقرار والتحضر ، اتّسعت بهم الحاجة إلى  
 الحرف والصنائع ، وبرزت طبقة من الحرفيين الذين صار لهم أسواقهم  
 ومحالّهم الخاصة ، وانتظم كثير منهم في ما يشبه النقابات التي كانت تسمى  
 « الأصناف » ، مما دفع بالسلطات الادارية في الدولة الى الاهتمام بهذه  
 الطبقة : رعاية ، وتنظيماً ، ورقابة ، وفق ضوابط أو قوانين تتفق مع طبيعة  
 العصر والبيئة ونوعية الحرفة . وتطور نظام الادارة في الدولة العربية حتى عرف  
 نظام النقابات والحسبة والمحاسب (٤) .

- 3 -

ففي علم اللغة الحديث Linguistics شاع مصطلح يسمّى : « علم اللغة  
 النظامي INSTITUTIONAL LINGUISTICS » . وهو علم يدرس لغة لدى جماعة

-111565 KUSAGIM  
-012227 AV

KUSAGIM (Mahmūd  
ibn al-Hasan).

86140 76  
كشاجم (محمود  
ابن الحسن)

- ديوان كشاجم . تحقيق وشرح وتقديم خيرية محمد محفوظ .  
- Baghdad, al-Mu'assasa al-'amma li al-sahafa wa al-tiba'a, 1390/  
1970. - 24 cm., 531p., fac-sim. [Acq.22-72]

[8° Z. 40326(17)]

(Dīwān... Ed. par Hayrīya Muḥammad Maḥfūz. - Wizārat al-i'ṭām.  
Mudīrīyat al-ṭaqāfa al-'amma. Silsilat al-kutub. al-Turāt. 17.)

d

1  
KUSAGIM (Mahmūd  
ibn al-Hasan)

03414 3  
كشاجم (محمود  
ابن الحسن الكاتب)

- المصائد والبطارد . تأليف محمود بن الحسن الكاتب المعروف  
بكشاجم . . . . . حققه وعلق عليه . . . . . محمد أسعد طلس .  
-Al-Masaid wa al-matarid, by Abi-l Fath Mahmud Ibn al-  
Hasan al-Katib Kushajim... Edited and annotated by...  
Muhammad As'ad Talas. -Baghdad, Matba'at Dār al-ma-  
rifa, 1954.-25cm, 288p., pl. [Acq.2173-69].

Masā'id (Af) ---

[8° V. 75538]

d

2  
KUSAGIM (Mahmūd  
ibn al-Hasan)

03414 3  
كشاجم (محمود  
ابن الحسن الكاتب)

- المصائد والبطارد . . . . .  
] [8° V. 75538

--- (Masā'id [Al-] wa al-matārid. Ed. par Muḥammad As'ad  
Talas).

Abbasides (dynastie).  
Chasse. Documents.  
--Chasse. Abbasides  
(dynastie). Documents.

d

54

KUSAGIM (Mahmūd ibn al-Hasan)

المصائد والبطارد . تأليف أبي الفتح محمود بن الحسن  
الكاتب المعروف بكشاجم . . . . . حققه وعلق عليه الدكتور  
محمد أسعد طلس [الأعداد بقلم سليمان الصفواني] .

Al-Masā'id wa al-matārid. by Abi-l-Fath  
Mahmūd ibn al-Hasan al-Katib, known as Ku-  
shajim (died after 388 A. H.). Edited and an-  
notated by Dr. Muḥammad As'ad Talas.  
1954, 288 p., 10-8°. 3. G. 3. مطبعة دار المعرفة ، بغداد .

Unit's sur is Chasse. La présenta-  
tion par S. 19- 1954. 10-8°. 3. G. 3. مطبعة دار المعرفة ، بغداد .

54

III.2720. KUSAGIM (أبو الفتح محمود بن الحسن الكاتب)

المصائد والبطارد . تأليف أبي الفتح محمد بن الحسن الكاتب  
المعروف بكشاجم . . . . . حققه وعلق عليه . . . . . محمد أسعد طلس

-Baghdada , Dār al-yaqda , 1954/ In-8° ,  
pagnations diverses.

( al-Masā'id wa al-matārid. éd. et annoté par  
Muḥammad As'ad TALAS . )

A.90812

Lit., chasse, art 10°s.



كُشَاجِم Kūṣācim

- ( محمود بن الحسين بن السندي بن شاهك - ت ٣٥٠هـ ) .  
- استدرک هلال ناجي على ديوانه ( ط . خيرية محفوظ ) ، ونشر استدراکه في مجلة  
(العرب) ، الرياض ، ٦ (١٩٧٢) ، ص ٨٢٣-٨٢٨ .  
- أعاد هلال ناجي نشر استدراکه ثانية في كتابه ( هوامش تراثية ) ، بغداد ١٩٧٣ ،  
ص ١١٥-١١٩ .  
- كما استدرک إحسان عباس علي الطبعه ذاتها ، ونشر استدراکه في مجلة ( المورد ) ،  
بغداد ، م ٥ ، ع ٢ (١٩٧٦) ، ص ٢٨١-٢٩٠ .

## كشاجم (١)

محمود (٢) بن الحسين بن السندي بن شاهك ، الرملي ، أبو الفتح ، ويقال :  
أبو النصر :

... - ٣٦٠ هـ

... - ٩٧٠ م

(١) يقول مرتضى الزبيدي عن «كشاجم» بالضم : «هكذا ضبطه الأكثرون ،  
ووقع في توضيح ابن هشام أثناء ما لا ينصرف أنه بالفتح» ؛ وعن لقب  
المترجم له ، وما تحتل أحرفه من معان يقول الزبيدي ولقب به لكونه كان :  
«كاتباً ، شاعراً ، أديباً ، جميلاً ، مغنياً فجمع ذلك كله» ( تاج العروس  
٩ : ٤٦ ) .

(٢) ترجمته في حسن المحاضرة : «كشاجم اسمه محمود بن محمد بن الحسين بن  
السدى» دون ذكر النون بين السين المهملة والذال . وبقية المصادر والمراجع  
متفقة على أنه محمود بن الحسين .

- ١ - سير أعلام النبلاء : ترجمة رقم ٢٠١ في ١٦ : ٢٨٥ .
- ٢ - تاريخ الإسلام ( حوادث ٣٥١ - ٣٨٠ ) : تحقيق عمر تدمري في ص ٢٣٣ .
- ٣ - مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر / اختصره على نهج ابن منظور وحققه إبراهيم صالح : ترجمة رقم ٩٤ في ٢٤ : ١١٧ .
- ٤ - حسن المحاضرة ... / للجلال السيوطي : تحت رقم ٩ في ١ : ٥٦٠ .
- ٥ - العبر في خبر من غير ٢ : ٣٢٢ .
- ٦ - شذرات الذهب ٣ : ٣٧ .
- ٧ - بيتمة الدهر / للثعالبي ذكر نماذج من شعر المترجم له في ١ : ٣٥٠ - ٣٥٤ .
- ٨ - تاج العروس ( ك ش ا ج م ) .
- ٩ - هدية العارفين ٢ ع ٤٠١ .
- ١٠ - فهرس مكتبة الأزهر (الأدب) ٥ : ١١٤ .
- ١١ - الأعلام ط ٣ في ٨ : ٤٣ ، ط ٤ في ٧ : ١٦٧ ( يراجع للأهمية وخاصة هوامش الترجمة ) .
- ١٢ - معجم المؤلفين ١٢ : ١٥٩ .
- ١٣ - معجم المطبوعات العربية والمعربة «سركيس» ع ١٥٦١ .
- ١٤ - مجلة المجمع العلمي العراقي مج ٢ : ٢٨٨ - ٢٩٧ بحث لسعد طلس .
- ١٥ - الفهرست / لابن النديم ؛ تحقيق رضا تجدد بن علي . - ط ٢ . طهران في ص ١٥٤ .

عبد الجبار عبدالرحمن، ذخائر التراث العربي الإسلامي، الجزء الثاني،

ISAM 95810.

783

1403/1983 (Y.Y.)، ص.

### كشاجم

أبو الفتح محمود بن الحسين ( ٣٦٠ هـ )

- ١ - أدب الندماء ولطائف الطرقات •  
- الاسكندرية ، ١٣٢٩ هـ = ١٩١١ م •  
ونشر بعنوان :  
• أدب النديم •  
- بولات ، ١٢٨٩ هـ = ١٨٧٢ م •
- ٢ - ديوان كشاجم •  
- بيروت ، المطبعة الانسية ، ١٣١٣ هـ = ١٨٩٥ م ، ١٨٨ ص •  
- تحقيق : خيرية محمد محفوظ •  
بغداد ، وزارة الاعلام ، ١٩٧٠ م ، ٥٣٠ ص ( سلسلة كتب التراث ، ١٧ ) •
- ٣ - المصايد والمطارود •  
- نشره : محمد أسعد طلس •  
بغداد ، دار المعرفة ، ١٩٥٤ م ، ٦ ص + ٢٨٨ ص •

باستخدام أنواع مختلفة من المعدات التي تسمى في الغالب المداحل أو الهراسات. وهي إما أن تكون ساكنة تعمل بتأثير الوزن الذاتي، وتتحرك آلياً مثل المدحلة ثلاثية العجلات، والمدحلة المزدوجة الساكنة، والمدحلة المركبة، والمدحلة ذات العجلات المطاطية التي تعمل بالهواء المضغوط، أو تتحرك يدوياً مثل المدحلة ثنائية الأسطوانة، أو تكون اهتزازية تتحرك آلياً مثل المدحلة المزدوجة الاهتزازية، والمدحلة المزدوجة الاهتزازية خفيفة الوزن، أو يدوياً مثل صفيحة الرص الاهتزازية. تهتم مراكز البحوث والشركات العالمية العاملة في مجال الطرق بمجموعة من التوجهات، لتحسين خصائص كسوة الطريق من ناحية، ورفع مستوى أداؤها الفني من ناحية أخرى، ولاسيما فيما يتعلق باستخدام مواد رابطة متنوعة لتثبيت التربة تحتها، مثل الجير والإسمنت، واستعمال أنسجة صناعية تثبت التربة وتزيد من مقاومتها لتأثير المياه فيها، وتطوير خلطات إسفلتية تقاوم تأثير الرطوبة، وتخفض الضجيج المروري فوقها بعد الرص، وإنشاء محطات تصنيع المجدبول الإسفلتي، حيث يمكن فيها التحكم بدرجة الحرارة وينسب مكونات المجدبول.

يوسف مرعي

طبقة المجدبول الإسفلتي التي ترص دفعة واحدة ما بين ٥,٠-١٥,٠ سم. تتم عملية الرص على شكل أشواط تنفذها ذهاباً وإياباً بمداحل خاصة، ابتداءً من أطراف الطريق وبتجاه تدريجي نحو محوره. وتستمر العملية حتى اختفاء آثار مرور عجلات المدحلة فوق سطح الطريق، وحتى الوصول إلى درجة الرص المطلوبة. ويحظر دوران آلية الرص في أثناء عملها فوق طبقة المجدبول الإسفلتي لمنع حدوث زحف المواد. ويجب أن تبلل سطوح عجلاتها بالماء بالقدر الكافي لمنع التصاق المجدبول بها. كما يجب منع حركة المرور فوق الإسفلت المرصوص قبل انخفاض درجة حرارته إلى درجة حرارة الجو المحيط، على ألا تقل المدة الفاصلة ما بين الانتهاء من الرص، والتصريح بالمرور عليه عن ثماني ساعات (الأشكال ١-٢-٣-٤).

تُحضّر خلطة المجدبول الإسفلتي غالباً في محطات مركزية قريبة، ثم تنقل إلى موقع المشروع بقلليات شاحنة يمكن أن تكون معزولة لمنع فقدان الحرارة، إذا كانت مسافة النقل طويلة، حيث يجري تفريغها ضمن آليات فرش ميكانيكية توزعها على سطح كامل عرضها بالسماكة المناسبة. ثم تبدأ عملية الرص للمجدبول الإسفلتي

يساوي ٣٥ مم. وإما خلطة إسفلتية متوسطة الخشونة بقطر أعظمي يساوي ٢٥ مم، وإما خلطة إسفلتية ناعمة بقطر أعظمي يقع في المجال ١٢,٥-١٩,٠ مم، وإما خلطة إسفلتية رملية يستبعد منها البحص، ويبقى الرمل بحبيبات لا يتجاوز قطرها الأعظمي ٥,٠ مم. وينفذ الغطاء من طبقة واحدة أو من طبقتين في معظم الأحوال، توضعان فوق أساس حصوي متماسك، ثم ترصان بعناية ودقة.

يجري تنفيذ كسوة الطريق بتنظيف سطح الطابق الترابي أولاً، ثم بتغطيته عن طريق سيارة شاحنة مزودة برشاشات خلصية بطبقة من الإسفلت السائل (M.C.O) بدرجة حرارة ٦٠-٧٠ م، وبعبارة ١,٥-٢,٠ كغ/م<sup>٢</sup>، وذلك للمساعدة على ربط الحبيبات السائبة من سطح الطابق الترابي، وعلى الربط ما بين الطابق الترابي وطبقة الإسفلت الواقعة فوقه، وعلى إعاقة وصول الماء إلى الطابق الترابي، ثم تفرش طبقة من المجدبول الإسفلتي يدوياً أو آلياً، وبعد ذلك تتم عملية الرص لزيادة ثبات المجدبول، والتقليل من ظهور آثار العجلات على الطريق حتى الوصول إلى السماكة المطلوبة للغطاء، وعلى نحو لا تتجاوز نسبة الفراغات فيه ٤,٠٪. وتراوح سماكة

الموضوعات ذات الصلة:	مراجع للاستزادة:
الزفت - الطرق	أحمد الخطيب، معجم المصطلحات العلمية والفنية والهندسية (مكتبة لبنان، بيروت ١٩٨٢).
	راجح سريع، عارف حمد، هندسة المواضلات (منشورات جامعة دمشق، ٢٠٠١).
	ROBERT ASHWORTH, Highway Engineering (Heinemann Educational Books, London 1976).

## ■ كُشَاچِم (محمود بن الحسين -)

(.../٥٣٦٠ هـ - .../٩٧٠ م)

«شاعر متفنن، أديب، من كتّاب الإنشاء»، كان من مشاهير الشعراء في

الملقب ب(كشاجم)، وفي اسمه ونسبه بعض الاختلاف.

محمود بن الحسين بن إبراهيم بن السندي بن شاهك، أبو الفتح الرملي،

ولد ببغداد في حدود سنة ثمانين ومائتين.<sup>(١)</sup>

وتلقى مختلف العلوم على كبار الأساتذة كعلي بن سليمان الأخفش، والفقيه موسى بن إبراهيم المروزي، والمتكلم أبي سهل إسماعيل بن علي النوبختي، والطبيب إسحاق بن حنين، وآخرين.

وتوجّه إلى بلاد الشام في حدود سنة (٣٠٠هـ)، وتنقل بين حلب وبغداد والقدس ودمشق، وزار مصر أكثر من مرة، وأقام بحلب، وانضمّ إلى رجال الفكر والأدب والشعر في بلاط سيف الدولة الحمداني، وأصبح أحد كبار شعراء المدرسة الشامية الوافدة إلى بلاد الشام يحتذيه الشعراء، ويضربون على قلبه.

قالت الدكتورة ثريا ملحس: كان كاتباً، أديباً، منجّماً، عالماً باحثاً، كثير الحفظ والرواية، أخذاً بتلابيب الجدل وعلم الكلام، وقد ظهر راوية جديلاً في كلّ مؤلفاته.

ولأبي الفتح قصائد في مدح أهل البيت ومراثي الحسين، وله عدّة مؤلفات، منها: ديوان شعر(ط)، أدب النديم(ط)، الرسائل، المصايد والمطاردة(ط)، وكثر الكتاب، وغير ذلك.

توفي في حدود سنة ثمان وأربعين وثلاثمائة.

ومن شعره، قصيدة في آل الرسول ﷺ، منها:

١. أخذنا تاريخ مولده ووفاته ومغادرته بغداد، من دراسة كتبتها الدكتورة ثريا ملحس عن المترجم، ونقل بعضها في «مستدركات أعيان الشيعة».

02 ARA 2006

١٥٧

كشاجم\*

(حدود ٢٨٠- حدود ٣٤٨هـ)

محمود بن الحسين بن السندي بن شاهك<sup>(١)</sup>، الشاعر المشهور، أبو الفتح

الرملي، الفارسي الأصل، المعروف بكشاجم.<sup>(٢)</sup>

كان شاعراً، منجّماً، متكلماً، من شعراء أهل البيت ﷺ المجاهرين.

\* مروج الذهب ٥/٢٢١ برقم ٣٤٧٩ — ٣٤٨٠ و ٢٥١ برقم ٣٥٥٥ و ٢٥٣ برقم ٣٥٥٨ و ٢٥٥ برقم ٣٥٦٣، الفهرست للنديم ٢٠٦، تاريخ مدينة دمشق ٥٧/١٠٤ برقم ٧٢٥٢، معالم العلماء ١٤٩، سير أعلام النبلاء ١٦٦/٢٨٥ برقم ٢٠١، حسن المحاضرة ١/٤٨٣ برقم ٩، كشف الظنون ١/٤٩ و ٧٠٥ و ٨٠٧، ٢/١١١٠ و ١٤٣٢ و ١٤٥٩ و ١٧٠٤، شذرات الذهب ٣/٣٧-٣٨، أمل الأمل ٢/٣١٥ برقم ٩٦١، تأسيس الشيعة ٢٠٤، أعيان الشيعة ١/١٣٥، ١٠٣/١٠٥، طبقات أعلام الشيعة ١/٣١٦، الأعلام ٧/١٦٧، مستدركات علم رجال الحديث ٧/٣٨١ برقم ١٤٧٧٠، معجم المؤلفين ١٢/١٥٩، معجم رجال الحديث ١٨/٨٩ برقم ١٢١٣٦، مستدركات أعيان الشيعة ٢/٣١٢.

١. اتفقت المصادر (ما عدا حسن المحاضرة، وفيه: محمود بن محمد بن الحسين) على تسميته بذلك، ولكن السندي بن شاهك كان صاحب الشرطة في عهد هارون الرشيد (المتوفى ١٩٣هـ)، فلا بدّ - كما يقول صاحب الأعلام - من أبوين على الأقل للملء المدة بين صاحب الترجمة والسندي.

٢. لفظ كشاجم منحوت، فيما يقال، من علوم كان يتقنها: الكاف للكتابة، والشين للشعر، والألف للإنشاء، والجيم للجدل، والميم للمنطق. الأعلام.

لطلب العلم وهل فيها كانت اول ثقافته أم تشبع بالأدب العربية والعلوم الاسلامية  
بالديار الشامية

على كل حال اقام كشاجم بمصر مدة كافية حتى احبها حباً شديداً وترك في  
ديوانه<sup>(١)</sup> وفي كتاب المصايد<sup>(٢)</sup> بعض الاشعار المنيئة التي تنم عن شوق شديد الى  
مصر والفسطاط وجبل المقطم وعن حب أكيد لتلك الربوع  
ويظهر انه كان ملازماً آل حمدان قبل وصول سيف الدولة الى حلب ينضح  
ذلك من علاقته الوثيقة بأفراد من أسرة الأمير ورجال الحاشية في مواطن مختلفة  
من الشام والعراق .

وروى صاحب الشذرات أن كشاجم كان طباحاً عند سيف الدولة وإذا

- (١) قد كان شوقي الى مصر يؤرقي فاليوم عدت وعاتت مصر لي دارا  
أغرو إلى الجزيرة الفيحاء مصطحباً  
طوراً وطوراً أزجسي السير أطوارا  
« راجع ديوان كشاجم طبع بيروت سنة ١٣١٣ ص ٦٤ »
- (٢) سلام على دير القصور وسفحه «١»  
فجنات حلوان الى النخلات  
منازل كانت لي بين مآرب  
وكن مواخيري ومنزهاتي «ب»  
وكنصر في في السفن منحدرات  
إذا جئتها كان الجياد سراكي  
فأقتص بالاسعار وحشي عيناها  
وأقتص الانسي في الظلمات «ج»  
معي كل بسم أغر مهذب «د»  
على كل ما يهوى النديم مواتي «ه»  
ولحمان مما أمسكته كلابنا  
علينا ومما صيد بالشبكات  
وكأس وإبريق وناي وزهر  
وساق غرير فاتر اللحظات «و»  
كأن قضيب البان عند اهترازه  
تلم من أعطاف الحركات «ز»  
هنالك تصفو لي مشارب كذتي  
وتصحب أيام السرور حياتي

راجع الديوان المطبوع ص ١٨ وراجع كتاب المصايد والمطارد المخطوط ص ٧١

- (١) ورد في الديوان وسفحه والأصح كما ورد في المخطوط «ب» في الديوان واجبري وهي  
كلمة لا علاقة لها بالبيت المذكور «ج» في المخطوط ورد واقتص وفي الديوان وأغدو على .  
«د» في الديوان : أعز مساعد «ه» في الديوان : النديم موالي «و» ورد في الديوان بدلا  
من البيتين بيتان من شعر لا علاقة لهما بالقتص «ز» ورد في الديوان تعلم من أعطافها وفي المخطوط  
يرجم الضمير الى الشاعر .

## كتاب المصايد والمطارد

تأليف أبي الفتح محمود بن الحسين الكاتب الشامي المعروف بكشاجم

١ - فذلكمة من سيرة حياة كشاجم

بعد كشاجم من فحول الشعراء المجيدين والفضلاء المبرزين<sup>(١)</sup> في النصف  
الأول من القرن الرابع للهجرة .

ومعلوم انه اتصل بالأمير الشاعر الأديب سيف الدولة الذي حكم في حلب  
من سنة ٣٣٣ - ٣٦١ هـ وكان من رجالات حاشيته التي جمعت المتنبي وأبافراس  
الحمداني والفارابي والصنوبري وابن خالويه وابن نباتة والخالدين وغيرهم من العلماء  
والأدباء والشعراء من مختلف البلدان الاسلامية حتى قيل انه لم يجتمع قط بباب  
أحد من الملوك بعد الخلفاء ما اجتمع بباب سيف الدولة من شيوخ الشعر ونجوم الدهر<sup>(٢)</sup>  
وكان كشاجم بين الرؤساء في الكتابة في عصره وكان مقدماً في الفصاحة  
والخطابة وشاعراً مطلقاً<sup>(٣)</sup> وكان نديماً لسيف الدولة كما كان نديماً وشاعراً عند والده  
أبي الهيثم عبد الله بن حمدان<sup>(٤)</sup> وكان كشاجم من المعجبين بال حمدان ونظم قصيدة  
بليغة في جعفر بن عبد الله الحمداني<sup>(٥)</sup>

والذي يؤسف له اننا لم نقف في الكتب التي بين أيدينا على تفاصيل حياة  
كشاجم مع انه كان ريحانة الأدب في عصره ويضرب بملحه المثل فيقال ملح  
كشاجم<sup>(٦)</sup> وقد نقل من شعره ونثره وعلمه واختباراته الشعراء والعلماء والندماء  
النقول الكثيرة على مختلف العصور

لانعلم هل كان مولده في الرملة التي فيها نشأ وأقام مدة من الزمن قبل رحيله  
الى مصر أم كان في موضع آخر وكذلك لانعلم اذا كان كشاجم قد جاء الى مصر

- (١) شذرات الذهب في أخبار من ذهب لعبد الحمي بن المهدي الحنبلي طبع مصر سنة ١٣٥٠ ج ٣ ص ٣٧  
(٢) بيعة الدهر لأبي منصور عبد الملك الثعالبي طبع مصر سنة ١٣٥٢ ج ١ ص ١١  
(٣) شذرات (٤) شذرات (٥) أعلام الكلام لالتشيري (٦) شذرات

KUSHĀDJIM أبو الفتح محمود بن السندی الكاتب المعروف بكشاجم  
(abū'l-Faṭḥ Maḥmūd b. al-Sindī al-kātib al-ma'rūf bi-kushādjim)

Poet and astrologer: d. 350/961 or 360/971.

Was of Persian origin and lived for a while in Ramla. He often travelled between Jerusalem, Damascus, Aleppo and Baghdad, until he finally settled in Aleppo where he became poet of the Hamdanid Abdallah b. Ḥamdān, father of the famous Sayf al-dawla who in 944 made himself master of Aleppo, and founded an independent kingdom in Northern Syria. Sayf al-dawla surrounded himself with an exceptional circle of poets, writers and scholars including such names as al-Fārābī (see 054) and abū'l-Faradj al-Iṣfahānī (see 156). Kushādjim entered the service of Sayf al-dawla as poet, astrologer and chief cook.

*Kitāb adab al-nadim*

كتاب ادب التديم

Book on the conduct of the boon companion.

The treatise, written in verse, is divided into thirteen chapters dealing with what was expected of the boon companion, and features related to companionship such as wine drinking and chess playing. The fifth chapter, entitled *bāb al-samā'*, concerns listening to music in company and the resulting pleasure of the soul; the superiority of music, a short reply to an unnamed person who denigrated the effects of music; a few considerations concerning the *sitāra*—a thin curtain which separated the musicians from the caliph in a musical performance.